



تأثیر خلاقیت و خودمختاری بر هویت فردی در آموزش زبان آلمانی بررسی نقش بازی‌های آموزشی بر رفتار یادگیری مستقل زبان‌آموزان

محمد رضا دوستی‌زاده*

(نویسندهٔ مسئول)

استادیار گروه زبان آلمانی دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: dostizadeh@ut.ac.ir



نازنین سیدی فضل‌الهی**

دانشجوی مقطع دکتری آموزش زبان آلمانی، گروه زبان آلمانی دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: n.s.fazlollahi@ut.ac.ir



چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر خلاقیت در بازی‌های آموزشی و نقش آن در عملکرد خودمختار زبان‌آموزان در قالب فضای آموزشی می‌پردازد. با توجه به نظریه‌های متفاوت آموزشی، فلسفی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی راجع به نقش خلاقیت در خودمختاری در آموزش و هویت‌بخشی فردی در امر یادگیری سعی شده است روش جدیدی راجع به مقوله خودمختاری در امر یادگیری میسر گردد. در این مقاله با اهتمام به این تحلیل نظری، عملکرد ذهنی و فعلی دانشجویان زبان آلمانی در خصوص خودمختاری و هویت فردی با توجه به پیش‌زمینه‌های نظری آن مورد چالش قرار می‌گیرد. بدین منظور به دانشجویان یک سری از متون ادبی به زبان آلمانی ارائه می‌گردد و از آنها خواسته می‌شود با تغییراتی در متن و بدون تغییر محتوای آن متون نمایشی تولید و آنها را بازی کنند. تغییر نوع متون ادبی و منحصر به فردسازی امر یادگیری زمینه‌ای برای هویت و خودمختاری زبان‌آموزان فراهم کند. سؤال این است که چگونه این امر آنها را در بهبود و تکامل راهکارهای یادگیری زبان بالاخص در سطح فراشناختی یاری می‌دهد و از این طریق انعکاس رفتار آموزشی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف مقاله این است که با توجه به نظریه‌های تحلیل شده عملکرد خودمختار زبان‌آموزان در قالب فضای آموزشی ایجاد شده را تحلیل و پیشرفت یادگیری زبان‌آموزان را بسنجد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

خلاقیت، خودمختاری،

بازی‌های آموزشی،

هویت‌بخشی فردی، یادگیری

زبان

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2022.328893.908

دوستی‌زاده، محمد رضا، سیدی فضل‌الهی، نازنین. (۱۴۰۱). تأثیر خلاقیت و خودمختاری بر هویت فردی در آموزش زبان آلمانی - بررسی نقش بازی‌های آموزشی بر رفتار یادگیری مستقل زبان‌آموزان. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۲ (۲)، ۱۹-۳۶.

Dousti Zadeh, M., Seyedi Fazlollahi, N. (2022). The Effect of Creativity and Autonomy on individual Identity in German Language Teaching - Investigating the Role of educational Games on Students' independent Learning Behavior. Foreign Language Research Journal, 12 (2), 19-36.

* Ph.D ، دانشگاه گوتة فرانکفورت، آموزش زبان آلمانی ۱۳۷۷ ← M.A ۱۳۸۴ ، دانشگاه یولیوس ماکسیمیلیان ، ورتسبورگ، ادبیات معاصر آلمانی ۱۳۷۱

← ۱۳۷۶ کارشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، زبان و ادبیات آلمانی ۱۳۶۴ ← ۱۳۶۹

** ۲۰۰۱- اخذ مدرک دیپلم در هامبورگ ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۸ - تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه هامبورگ ۲۰۱۵- اخذ مدرک کارشناسی ارشد زبان آلمانی

از دانشگاه تهران ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۰ - شاغل در کانون زبان ایران ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۲- مترجم خبری و گوینده در صدا و سیما



Zur Auswirkung der Kreativität und Autonomie auf die individuelle Identität der Lernenden im Deutschunterricht – Eine Untersuchung zur Rolle von Lernspielen auf das selbstständige Lernverhalten von Lernenden



Mohammadreza Dousti Zadeh *

(corresponding author)

Assistant professor of German Department, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: dostizadeh@ut.ac.ir



Nazanin Seyedi Fazlollahi **

PhD Student German Department, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: n.s.fazlollahi@ut.ac.ir

ABSTRACT

Diese Studie untersucht die Auswirkung von Kreativität beim Lernspielen und ihre Rollen bei der autonomen Leistung von Sprachlernenden. Unter Berücksichtigung verschiedener pädagogischer, philosophischer, soziologischer und psychologischer Theorien über die Rolle der Kreativität beim autonomen Lernen und der individuellen Identifikation beim Lernen wird eine neue Methode ausprobiert, um Autonomie beim Lernen zu ermöglichen. In diesem Artikel wird im Hinblick auf diese theoretische Analyse die mentale und aktuelle Leistungsfähigkeit von Deutschlernenden in Bezug auf Autonomie und individuelle Identität nach ihrem theoretischen Hintergrund hinterfragt. Zu diesem Zweck erhalten die Studierenden eine Reihe literarischer Texte in deutscher Sprache und werden aufgefordert, Texte mit Umformulierungen ohne inhaltliche Veränderung zu produzieren und zu spielen. Die Umformulierung literarischer Texte und die Einzigartigkeit des Lernens bilden eine Grundlage für die Identität und Autonomie von Sprachenlernenden. Es wird die Frage gestellt, wie ihnen dies hilft, Sprachlernstrategien zu entwickeln, zu verbessern und zu vervollständigen, insbesondere auf der metakognitiven Ebene, und damit die Reflexion ihres Lernverhaltens untersucht. Der Zweck dieses Artikels ist es, die autonome Leistung von Sprachlernenden zu analysieren, die gemäß den analysierten Theorien geschaffen wurden, und den Lernfortschritt von Sprachlernenden zu bewerten.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: January 25, 2022

Accepted: February 24, 2022

Available online:
Summer 2022

Keywords:

Kreativität, Autonomie, Lernspiele, individuelle Identität, Sprachenlernen.

DOI: 10.22059/JFLR.2022.328893.908

Dousti Zadeh, M., Seyedi Fazlollahi, N. (2022). The Effect of Creativity and Autonomy on individual Identity in German Language Teaching - Investigating the Role of educational Games on Students' independent Learning Behavior. Foreign Language Research Journal, 12 (2), 19-36.

در جمع در یادگیری از یک طرف و نقش خلاقیت و استقلال

۱. مقدمه

فرد زبان‌آموز در درک فردی از زبان خارجی از طرف دیگر

در ابتدا شاید یادگیری یک زبان خارجی با توجه به تأکید

ایجاد تناقض کند، اما با پردازش این مسئله در علم آموزش

نظریه پردازان علم آموزش بر نقش اساسی محاوره و تعامل

* B.A, 1990, German Language and Literature, University of Shahid Beheshti, M.A, 1997, Contemporary German Literature, Julius-Maximilian University of Wuerzburg, Ph.D, 2006, German as a Foreign Language, Goethe University Frankfurt

** 2001- School leaving examination From 2003 to 2008- Studying Law at Hamburg University 2015- Master of Arts in German Language Study at University of Tehran From 2008 to 2010- Teaching at Kanoon Zaban Iran (Iran Language Institute) From 2010 to 2012- News Translator and Anchor at Seda va Sima

به این نتیجه می‌رسیم که این نه تنها یک تناقض نیست بلکه این دو رویه در یادگیری لازم و ملزوم یکدیگر در یادگیری زبان‌های خارجی هستند ([Zadeh Dousti دوستی‌زاده](#) ص ۱۶۸).

نظریه‌پردازان این نکته اصولی را مطرح می‌کنند که زبان‌آموز در زمانی که یک زبان خارجی را در محاوره و تعامل جمعی یاد می‌گیرد در واقع از خلاقیت دیگر زبان‌آموزان و استقلال فردی استفاده و خلاقیت و خودمختاری خود را به ظهور می‌رساند ([Finkbeiner 2001](#) فینک باینر، ص ۳۵۸).

از این لحاظ «خلاقیت» و «خودمختاری» دو مبحث مهم در آموزش زبان‌های خارجی هستند که علت اصلی توجه علم آموزش به این دو مقوله را می‌توان در نقش عمده آنها در یادگیری مبتنی بر شکل دهی هویت فردی جستجو کرد ([Pyerin ۲۰۰۷](#) پیرین، ص ۲۵).

با توجه به رابطه تنگاتنگ میان زبان و هویت فرهنگی از یک طرف و نگرش موجود نسبت به یادگیری زبان‌های خارجی، باید بررسی تأثیر متغیرهای هویت، فرهنگ، و نگرش در امر آموزش و فراگیری زبان از طریق بازی‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد ([Habibzadeh حبیب‌زاده، ۱۴۰۰](#)، ص ۲۵۸).

در این مقاله ابتدا به بررسی نظری نقش خلاقیت و خودمختاری در آموزش زبان‌های خارجی می‌پردازیم، سپس با استفاده از یک پژوهشی که در نیمسال اول و دوم سال

تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ انجام گرفت، یادگیری زبان آلمانی از طریق بازی‌های آموزشی و عملکرد مستقل زبان‌آموزان در فضای آموزشی و سنجش عملکرد خلاقیت و مستقل را تحلیل می‌شود.

اولویت این پژوهش سنجش یا به عبارت دیگر معیار سنجش رفتار و عملکرد مستقل آموزشی در قالب بازی‌های نمایشی بوده و در نهایت برداشت آگاهانه و انعکاس عملکرد یادگیری به صورت گفتاری و مصاحبه با زبان‌آموزان و ادغام نتایج این دو سنجش با روش **Mixed Methods** یا همان روش مختلط می‌باشد.

سؤال اینجاست که آیا دانشجویان رشته زبان آلمانی این طرح را در راستای بهبود یادگیری زبان مفید می‌دانند، تا چه اندازه در طول زمان به این خودمختاری و خلاقیت دسترسی پیدا می‌کنند و اینکه چه تعریفی از واژه خودمختاری و خلاقیت در یادگیری (**Lernerautonomie**) ارائه می‌دهند. در این راستا ادغام تحقیق کیفی با تحقیق کمی به جامع شدن نتیجه تحقیق کمک می‌کند.

در این راستا روشهای فراسناختی دانشجویان و آگاهی زبانی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد تا فرآیند دست‌یابی به استقلال در امر یادگیری زبان به صورت تحلیلی در قالب مصاحبه با دانشجویان ترسیم شود. همچنین دیدگاه زبان‌آموزان ایرانی در مورد طرح استقلال در امر یادگیری با توجه به تئوری‌های ذهنی آنها تحلیل می‌شود.

هدف از این تحقیق یافتن چگونگی شکل‌گیری خودمختاری و خلاقیت در امر یادگیری در قالب انجام نمایشنامه به عنوان یک بازی آموزشی است. علت انجام نمایشنامه در قالب فضای آموزشی ایجاد انگیزه جهت تبلور خلاقیت بیشتر در امر یادگیری است که با خلاقیت زبان‌آموزان و ایجاد تغییراتی که در متن و یا بازی ارائه می‌دهند نظریه‌های مبتنی بر امر خودمختاری و خلاقیت در زبان‌آموزی تکمیل شود.

۲. پیشینه تحقیق

۲،۱ خودمختاری و خلاقیت

شاید پیش‌زمینه خودمختاری و خلاقیت در آموزش زبان‌های خارجی تفکر نقادانه در حین یادگیری باشد. تفکر نقادانه نوع نگرش مسئولانه و سازمان‌یافته‌ای است که منجر به این قضاوت صحیح زبان‌آموز می‌انجامد که آیا توانش زبانی او به حد خودمختاری و ایجاد خلاقیت رسیده است یا خیر. در این نوع نگرش ارزیابی و نوآوری تقویت شده و قدرت استدلال زبان‌آموزان بالا می‌رود و در نهایت در ایجاد زمینه‌های خودمختاری و نوآوری در شیوه یادگیری می‌شود (Birjandi بیرجندی، ۱۳۹۶، ص ۳۰۳).

در حیطه خودمختاری و خلاقیت در یادگیری زبان‌های بیگانه می‌توان هاوارد آلتما را جزو اولین افرادی شمرد که در این باره نظریه‌پردازی کرده‌اند. آلتما (Altma) عبارت سازه منفرد را در مورد استقلال در امر یادگیری به عنوان یک کلیدواژه مطرح می‌کند و در توضیح آن اضافه می‌کند که از طرح الگوهای عمومی در یادگیری باید پرهیز کرد و برای هر

شخصی یک ساختار منحصر به فرد وجود دارد و به عبارت دیگر نوع نیاز فردی هر شخص ایجاب می‌کند (۱۹۷۲) Altma آلتما ص. ۱۲.

نظریه دیگری که بعد از نظریه آلتما مهم است، نظریه هولک (Holec) است. طبق نظریه هولک استقلال در امر یادگیری شامل ایجاد اهداف یادگیری، میزان سیر تصاعدی در یادگیری، انتخاب روشهای یادگیری و همچنین ارزیابی امر یادگیری می‌باشد. در سال ۱۹۷۹-۱۹۸۰ هنری هولک واژه خودمختاری را در حیطه آموزشی به صورت متمایزی تعریف کرد. این واژه با توجه به الگوی پیشنهادی بر روی دیدگاه نقطه‌نظر شخصی علم‌آموز در مورد امر یادگیری استوار است. این نوع دیدگاه شخصی نوعی رفتار آموزشی است بدین معنا که دانش‌پژوه گونه‌ای از توانمندی در عملکرد از خود نشان می‌دهد. طبق نظریه هولک (۱۹۸۰) دانش‌پژوهی مستقل یاد می‌گیرد که توانمند باشد و مراحل یادگیری خود را خود مدیریت کند. او همچنین بین واژه استقلال در یادگیری و "autonomie d'apprentissage" و واژه سکانداری در یادگیری "apprentissage autodirigee" تمیز می‌دهد و بدین طریق هویت فردی را در یادگیری شکل‌دهی می‌کند (Holec، ۱۹۸۰، ص ۴).

پژوهش دیگر او در سال ۱۹۸۷ یکی از مهمترین تحقیقات بنیانی در امر استقلال یادگیری زبان است. طبق نظریه او این باورهای غلط زبان‌آموزان است که منجر به عدم عملکرد مستقل می‌باشد. با پیشنهاد بسته‌های راهکاری زبان‌آموز به

صورت عملی و آزمون خطا به اشتباه‌های خود که بر اساس باورهای غلط شکل گرفته پی می‌برد، نقاط ضعف در فرآیند یادگیری را ترمیم می‌کند و بدین ترتیب مستقل تصمیم می‌گیرد و می‌آموزد.

لیتل (Little) نیز تفکیک هولک را می‌پذیرد. طبق نظریه او استقلال در امر یادگیری فقط به معنای یادگیری چگونه یادگرفتن دانش نیست بلکه شامل توانمندی در انطباق دانش ذخیره شده بر روی زمینه‌های متفاوت از بستر و بافت اصلی آن دانش نیز هست (Little ۲۰۰۰ لیتل، ص ۴).

طبق نظریه اوتو رامپیلون (Rampillon) خودمختاری و خلاقیت در آموزش توانمندی به عهده گرفتن مسئولیت جهت یادگیری فردی است. او هدف از خودمختاری و خلاقیت را فراتر از حیطه یادگیری زبان می‌برد. از نظر او هدف باید در کنار به دست آوردن دانش زبانی تکامل شخصیت فردگرایانه زبان‌آموز باشد تا در نهایت منجر به عملکرد و ارتباط بهینه در قالب گروه شود. رامپیلون نظریه‌های دانشمندان نامبرده را رد نمی‌کند اما طبق گفته او هدف اصلی خودمختاری و خلاقیت در امر زبان‌آموزی می‌باید خودمختاری و خلاقیت در حیطه اجتماعی فرد باشد به معنای دیگر او یادگیری مستقل همراه با خلاقیت زبان را اهرمی می‌داند جهت تکامل روانی انسان و بدین ترتیب معنای این واژه را فراتر از دانشمندان دیگری چون هولک می‌برد (۲۰۰۳ Rampillon رامپیلون، ص ۲۵).

۲,۲ خلاقیت و بازی‌های آموزشی

فیلسوفانی همچون کانت، شوپنهاور و شیلر به مقوله بازی به عنوان یک پدیده زیبایی‌شناختی در ایجاد خلاقیت فردی می‌نگرند و آن را دست‌آویزی می‌دانند تا به وسیله آن انسان از زیر فشار سرکوبگرانه طبیعت آزاد گردد. به گفته شیلر حتی انسان فقط زمانی به معنای حقیقی خود انسان است که بازی می‌کند و بدین ترتیب این فیلسوفان بازی را امری می‌دانند و الاثر از غرایز انسانی و حیوانی مانند غریزه وظیفه‌شناسی و گرایش به کار و فعالیت که در حیوان و انسان مشترک است. اما به مقوله بازی‌های آموزشی می‌بایست از نقطه‌نظر دیگری نگریست. واژه بازی را اشتاین هیلبر (Steinhilber) اینگونه تعریف می‌کند:

بازی فعالیتی است سرگرم‌کننده و نشاط بخش که بر پایه شناخت از توانمندی بنیان شده و هدف آن به دست آوردن و پردازش اطلاعات است. بازی فعالیتی است که هیچگونه هدفی را به غیر از ذات خود دنبال نمی‌کند (۱۹۷۹ Steinhilber اشتاین هیلبر، ص ۲۹).

در حقیقت ذات بازی همان پردازش اطلاعات است که هدف آن سرگرمی است. او در ادامه این تعریف در مورد بازی‌های آموزشی چنین می‌افزاید:

در صورتی که بازی در فضای آموزشی با هدف تعلیم به کار گرفته شود صحبت از بازی آموزشی می‌کنیم (Steinhilber ۱۹۷۹ اشتاین هیلبر، ص ۳۰). موضوع مورد بحث در این باب این است که آیا ذات بازی و فضای آموزشی با یکدیگر در تناقض‌اند یا خیر. زیرا که چنان که

گفته شد ماهیت بازی در ذات خود معنا می‌شود و به غیر از خود هدف دیگری را دنبال نمی‌کند. سؤال دیگری که در این زمینه مطرح است این است که چنانچه ذات بازی و ذات تعلیم با یکدیگر در تناقض نباشند تا چه اندازه با ادغام بازی و آموزش می‌توان اهداف تربیتی و یا آموزشی را دنبال کرد.

هم ذات بازی به صورت پیشرفته آن (نه بازی‌های دوران خردسالی) و هم ماهیت آموزش و یا یادگیری با نوعی قانون-مندی و انضباط عجین است. میزان جدیتی که بازی و آموزش با آن دنبال می‌شوند ممکن است به طور کلی تا اندازه‌ای متفاوت باشد. علی‌الخصوص در سنین بزرگسالی امر یادگیری زبان با جدیت و قانون‌مندی بیشتری دنبال می‌شود تا در سنین پایین‌تر زیرا هدفمندتر است. حال آنکه ذات بازی کمی متفاوت است. ذات سرگرم کننده و هدف آن خلاصی از بار فکری و دغدغه‌های روزمرگی است. از طرف دیگر باید این را مد نظر قرار داد که بازی اگر به عنوان اهرمی به کار گرفته شود تا پتانسیل‌های فردی محک بخورند می‌تواند ارزشی متفاوت از سرگرمی صرف داشته باشد. به عنوان نمونه شطرنج می‌تواند معیارسنجشی برای توانمندی‌های ذهنی افراد مثل درک استراتژیک باشد. بنابراین نوع بازی و شرایطی که در بستر آن قانون بازی شکل می‌گیرد می‌تواند کیفیت بازی و روحیات افراد را در حین بازی دستخوش تغییر کنند.

۳. بحث و بررسی

در این تحقیق سعی شده است با بهره‌گیری از نظریه‌های ذکرشده در قسمت پیشینه تحقیق و تعریف عبارات در این

قسمت، «خودمختاری»، «خلاقیت» و «بازی‌های آموزشی» در آموزش زبان آلمانی مورد ارزیابی عملی قرار گیرد.

در ابتدا باید به مفهوم عباراتی مانند «خلاقیت»، «خودمختاری» و «بازی آموزشی» پرداخت تا درک مقاله را از این مفاهیم مشخص کرد:

۳.۱ در باب مفاهیم «خلاقیت»، «خودمختاری» و «بازی‌های آموزشی» در آموزش زبان

خلاقیت به عنوان یکی از جنبه‌های اصلی تفکر یا اندیشیدن فردی است تا شخص بتواند فرایند بازآرایی یا تغییر اطلاعات و نمادهای کسب شده موجود در حافظه خود را به وجود آورد. بر این اساس ارتباط مستقیمی بین خلاقیت و قوه تخیل یا توانایی تصویرسازی ذهنی بوجود می‌آید که باعث ایجاد فرایند تشکیل تصویرهایی از پدیده‌های ادراک شده در ذهن می‌شود (Kelly کلی، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

بر این اساس خلاقیت عبارت است از فرایندسازی راه‌های جدید برای انجام دادن بهتر فعالیت‌ها؛ توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسائل؛ ارائه فکرها و طرح‌های نوین برای تولیدات زبانی و استمرار آن است.

در تعریفی دیگر «خلاقیت» در آموزش به توانایی اطلاق می‌شود که باعث خلق ایده‌ها و راه‌حل‌های متعدد در زمان یادگیری می‌شود (پایرین، Pyerin، ۲۰۰۷). در اینجا دو نوع

خلاقیت در آموزش یعنی خلاقیت در تحصیل و خلاقیت در

تدریس برجسته هستند که تأثیر بسزایی در هویت‌بخشی به زبان‌آموز و مدرس زبان دارند.

واژه «خودمختاری» ابعاد متفاوتی در درک فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و آموزش زبان دارد. در این زمینه می‌توان به تعریف فلسفی ایمانول کانت از خودمختاری اشاره کرد که این عبارت را به عنوان بخشی از آزادی به عنوان یک امر مسلم نام می‌برد (Little ۲۰۰۰، لیتل، ص ۱۲).

در حیطه روان‌شناسی نیز می‌توان به تعریف فروید از خودمختاری اشاره کرد که علم آموزش از آن بهره می‌برد. در این تعریف خودمختاری به نوعی استقلال و آزادی اطلاق می‌شود که منجر به تصمیم‌گیری‌هایی در حالت و شرایط عادی و بدون ترس از شکست گرفته می‌شود (Martinez، مارتینز، ص ۱۲).

بر اساس علم تربیت یه هر نوع فعالیتی که به منظور تفریح و تفنن و مناسب برای بروز و رشد استعداد انجام گیرد، «بازی» نامیده می‌شود. مریان از بازی تلقی جامع‌تری دارند. آن‌ها معتقدند که بازی، عبارت است از آن نوع فعالیتی که با میل و اختیار در اوقات فراغت انجام می‌شود و بازیهای کودکان را به دو دسته متمایز تقسیم کرده است. یک دسته بازی خودانگیخته (spontanes Spiel) هستند که از خواسته‌ها و تجربه‌های افراد الهام می‌گیرد و بازی برنامه‌ریزی شده (strukturelles Spiel) که منطبق با نیاز زبان‌آموزان و در برنامه آموزشی آنها منظور می‌شود. این قبیل بازیها با توجه به

ظرفیت رشد ذهنی، علاقه و تجربه به طور خاصی طرح و ارائه می‌شود (کالیس، ۱۳۹۰، Calliess، ۲۰۱۰، ص ۳۵).

۳،۲ خلاقیت و خودمختاری در بازیهای آموزشی

سؤال مهم اینجاست که تاچه اندازه بازیهای آموزشی می‌تواند به کمک کلاس‌هایی مثل «درک و مفهوم متن» و «ادبیات» بیاید؟ در مورد فواید بازی‌های آموزشی برای بزرگسالان در ادبیات پفایفر (Pfeifer) اشاره به فواید اعمال بازی در فضای آموزشی می‌کند. بلاخص بزرگسالان ترس بیشتری از ارتباط و مکالمه به فرهنگ و زبان دیگر از خود نشان می‌دهند. بازی‌های آموزشی در قالب نمایشنامه می‌توانند سدهای عاطفی که بر سر راه زبان‌آموزان بزرگسال قرار می‌گیرند را بشکنند. بازی‌های آموزشی هنگام مکالمه فضایی مجازی ایجاد کرده و ترس از تلفظ اشتباه واژگان را از بین می‌برند و بدین ترتیب زبان‌آموز با اشتیاق و اعتماد به نفس بیشتری خود را به زبان بیگانه ابراز می‌کند. طبق گفته او بازی فضای مناسبی برای تجربیات جدید اجتماعی و عاطفی را فراهم می‌کند. همچنین توانایی حرکتی و توانایی شناختی را تقویت می‌کند (Pfeifer ۱۹۹۱ فایفر، ص ۶۴).

تحقیق فایفر یکی از معدود تحقیقاتی که در مورد فواید بازی در کلاسهای زبان خارجی نگارش شده است. تحقیق در یک فضای آموزشی در کلاسهای زبان انگلیسی با دو کلاس هرکدام ۳۵ زبان‌آموز به مدت ۵۸ ساعت درسی صورت پذیرفت. در کلاس اول مورد آزمایش المانهای بازی به کار برده شد و در کلاس مشابه متد بیشتر بر اساس روش

پرسشی-تکاملی بنا شد. میزان تأثیر بازی‌های آموزشی در کلاس اول روی نمرات زبان‌آموزان بسیار تعیین کننده بود و تحقیق او در مجموع تأکید بر تأثیر بازی‌های آموزشی بر روی نمرات زبان‌آموزان دارد. چالش و وجه اشتراک بازی و خلاقیت در یادگیری این است که امر یادگیری امری است که با تلاش کسب می‌شود حال آنکه خصلت بازی فراغت و نوعی استراحت می‌باشد. جدیت و قانون‌مندی به جز در بازی‌های نوع آزاد که مربوط به دوران خردسالی می‌شود در بازی و کار (کار فکری یا عملی) وجه مشترک است. بنابراین نمی‌توان به دلیل ذات سرگرم کننده بازی منکر فعالیت ذهنی و بدنی در حین بازی شد.

طبق این نظریه عرف بازی به دلیل ذات مفرح خود از کسالت آموزنده می‌کاهد و امر یادگیری را برای او آسان تر می‌کند. زحمتی که در حین بازی بر دوش زبان‌آموز است با زحمت یادگیری زبان کمی متفاوت است. از طرف دیگر هنگام بازی در حین یادگیری و یا به عبارت دیگر در اثر ادغام بازی و یادگیری زحمت یادگیری همچون در شرایط عادی محسوس نیست. ذات سرگرم کننده و سبک و بی دغدغه بازی از دشواری یادگیری می‌کاهد و در اثر پیشرفت بازی و غرق شدن زبان‌آموز در فضای مجازی به وجود آمده در بستر آموزشی حتی قانون‌مندی و جدیت لازم برای بازی محو می‌شود. در نتیجه فکر آزاد است برای پردازش اطلاعات جدید. نظریه‌ای که در کنار نظریه‌هایی که در پیشینه تحقیق بررسی شد و در راستای خواندن و درک مفهوم بود نظریه فینک باینر

(Finkbeiner) است. درحقیقت او جای واژه باورهای غلط (*beliefs*) که اساس کار هولک است، واژه نقطه‌نظرها (*set/habits*) را به کار می‌برد. نقطه‌نظرها و یا همان دیدگاه‌ها پروسه‌های ذهنی منحصر به فرد زبان‌آموز هستند که بین دو قطب ثبات و تغییر در نوسان‌اند. تحقیق فینک باینر به طور خاص میزان استقلال را در امر درک مفهوم و یادگیری زبان مورد آزمایش قرار نمی‌دهد ولیکن این تحقیق به دلیل تقابل دیدگاه بیرونی با نقطه‌نظرهای زبان‌آموزان به نکات مهم در مورد گرایش‌های رفتاری و عاطفی-حسی زبان‌آموز هنگام خواندن و درک مفهوم دست پیدا می‌کند. (۲۰۰۱) Finkbeiner فینک باینر، ص ۳۵۳.

در درسی مانند «درک و مفهوم متن» انگیزه یادگیری فردی و سپس انگیزه جمعی یادگیری بسیار اهمیت دارد. آکسفورد (Oxford) در قالب طرح کوتاهی که در مورد واژه استقلال در امر یادگیری ارائه می‌دهد، فاکتوری جدید به نام انگیزه را به چالش می‌کشد و آن را محرک ایجاد ارتباط در جمع می‌داند. وجه اشتراک بین نظریه هولک و آکسفورد این است که هیچ‌کدام تعریف دقیقی از خود واژه استقلال در امر یادگیری ارائه نمی‌دهند و واژه را تنها از طریق کنسپت یا همان طرحی که ارائه می‌دهند مورد بررسی قرار می‌دهند (Oxford آکسفورد، ص ۹۸).

در این خصوص تحلیل ذهن زبان‌آموز می‌تواند زوایای خودمختاری و خلاقیت فردی را مشخص کند. مارتینز (Martinez) با بررسی تحلیل ذهن به نتایجی همچون عدم

امکان نمونه‌سازی جهت تعریف واژه استقلال در یادگیری دست یافته است. همچنین امر متاکوگنیتی (فراشناخت) و مدیریت در امر فراگیری زبان زیرساختهای خودمختاری در یادگیری را تشکیل می‌دهند. مدیریت و انعکاس آگاهانه فرآیند یادگیری حتی در مورد مضمون‌های احساسی همچون انگیزه یادگیری می‌تواند منجر به بهبود یادگیری در زبان شود. در عین حال واژه استقلال در امر یادگیری واژه‌ای است که بار احساسی دارد و بسیار شخصی است. این را مارتینز با توجه به بررسی تحلیل ذهنی زبان‌آموزان کشف کرده و بنابراین نتیجه‌گیری می‌کند استفاده از رسانه‌های آموزشی که مبتنی بر یادگیری مستقل زبان می‌باشند در قالب آموزشی امر بهبودی خواهد بود (Martinez ۲۰۰۸ مارتینز، ص ۱۵).

تحلیل ذهن زبان‌آموزان ارتباط تنگاتنگی با روان‌شناسی زبان دارد و در این مورد روسلر (Rösler) یکی دیگر از نظریه‌پردازان در حیطه خودمختاری و خلاقیت است که با کتابش «روان‌پزشکی بین خودمختاری و اجبار» توانست توجه اندیشمندان علم آموزش را به ارتباط روان‌شناسی و مؤلفه‌های خودمختاری و خلاقیت جلب کند. او ابتدا تاریخچه روان‌پزشکی و وضعیت کنونی پژوهش روان‌پزشکی - رابطه پرتنش بین نهادهای آموزشی و خودمختاری را واکاوی می‌کند سپس به استفاده از اخلاق خودمختاری در آموزش زبان‌های خارجی با کمک علم روان‌شناسی می‌پردازد (Rösler ۲۰۰۴ روسلر، ص ۸).

در قالب انگیزه جمعی درک و مفهوم در یادگیری زبان‌های خارجی، آخوری (Achouri) به واژه‌های خودمختاری و خلاقیت در ابعاد فرهنگی و جامعه‌شناختی آن می‌پردازد. او معتقد است روند وگرایشی در جوامع، انسان را تحت عنوان فردیت به انزوا می‌کشاند و از نظر او سیری است نزولی. این به این معناست که فردیت و فردگرایی چنانچه در حیطه جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد نتایج به دست آمده لزوماً با مقوله‌های فرهنگی آن جامعه مرتبط نیست. طبق گفته او ذهن انسان همواره بر آن است تا از حالت بی‌نظمی به حالت نظم برسد و استقلال امری است که ریشه در هویت انسان دارد. این هویت از زمان تولد با ماست و در اثر تعامل با دیگران شکل می‌گیرد (Achouri 2013 آخوری، ص ۱۵).

آخوری در مقاله خود به تفاوت بین استقلال در تفکر و استقلال در دانش اشاره می‌کند. بدین معنا که انجام دادن کاری به صورت مکانیکی و به شکل عادت درآمده را نمی‌توان با استقلال در تفکر برابر دانست او این امر را با واژه اتوماتیسمیون برابر می‌داند و این به معنای انجام مقلدانه کاری است که در قبل فرد قادر به انجام آن نبوده است. خارج از این مباحث نقش ترویج خودمختاری در کلاس‌هایی مثل «درک و مفهوم متن» اهمیت بسزایی دارد. تاسیناری (Tassinari) در تحقیقی نقش ترویج خودمختاری و خلاقیت را بررسی می‌کند. به عقیده او در درسی که خود مختاری را ترویج می‌کند، زبان‌آموزان تشویق می‌شوند تا به طور فعال به شکل‌گیری فرایند یادگیری مشترک کمک کنند.

به عنوان مثال، آنها مطالب خود را به کلاس می‌آورند، یاد می‌گیرند که شایستگی‌های خود را از طریق ارزیابی خود یا ارزیابی دیگر زبان‌آموزان ارزیابی کنند، یا از طریق یادگیری یادداشت‌های روزانه در مورد فرایندهای یادگیری خود تأمل کنند. با مذاکره درباره اهداف مشترک، مسیرهای یادگیری، بلکه وظایف، یک جامعه یادگیرنده ایجاد می‌شود که درس‌ها را غنی می‌کند. برای بسیاری از زبان‌آموزان این شیوه شرکت در کلاس هنوز ناآشناست. برای شروع موفقیت آمیز این جهت‌گیری مجدد، معلمان باید صریحاً با دانش‌آموزان در مورد موضوع خودمختاری یادگیرنده صحبت کنند و به تدریج مسئولیت بیشتری را برای فرایند یادگیری به آنها بسپارند (Tassinari 2010 تاسیناری، ص ۳۴).

تاسیناری به تحقیق سابوشارله اشاره می‌کند و سه گام را برای رسیدن به خودمختاری و خلاقیت پیشنهاد می‌دهد: در گام اول معلم باید با ایجاد شیوه‌های جدید یادگیری و ایجاد انگیزه یادگیری در فراگیران، یادگیری خودمختاری را در فراگیران به وجود آورد. سپس معلم می‌تواند با تمرین مهارت‌ها، نقش‌ها و رفتار جدید، نگرش زبان‌آموزان را در یادگیری تغییر دهد. نکته آخر اینکه مسئولیت بیشتری به زبان‌آموزان داده می‌شود تا بتوانند طرح درس را تغییر دهند و اختیار بیشتری برای تصمیم‌گیری‌های جمعی و اجرای آنها داشته باشند (Tassinari 2010 تاسیناری، ص ۵۹).

در این خصوص این تحقیق در کنار تحقیق تاسیناری به تجارب بیشتری نیاز دارد که ابعاد دیگری از خودمختاری و

خلاقیت را برجسته کند. آرنولد (Arnold) راهکار متفاوتی برای دو مؤلفه خودمختاری و خلاقیت ارائه می‌دهد. برای نشان دادن این مفهوم او یک درس با سطح زبانی متوسط (B1) را بررسی می‌کند. او از زبان‌آموزان می‌خواهد پس از ورود به کلاس درس، اولین کاری که آنها انجام می‌دهند این باشد که میزها را تنظیم کرده و شش جزیره را تشکیل دهند. معلم کارتهای فهرست و پوشه‌ها را توزیع می‌کند: یک جدول «خواندن»، دومی «گوش دادن»، دیگری «نوشتن»، «صحبت کردن»، «دستور زبان» و «واژگان» را نشان می‌دهد. در هر پوشه متون و کارهای مختلفی وجود دارد. مدرس آثار مرجع و کتاب‌های تمرین را روی جدول دستور زبان قرار می‌دهد (Arnold 2016 آرنولد، ص ۱۶۵).

فراگیران مطالب را می‌گیرند، یک جزیره را انتخاب می‌کنند و شروع به کار می‌کنند. آنها همچنین می‌توانند از تلفن‌های هوشمند، لپ‌تاپ یا رایانه لوحی خود برای جستجو یا تحقیق استفاده کنند. آنها به صورت دو نفره، سه نفره یا حتی به تنهایی کار می‌کنند. معلم به نوبت در کنار دانش‌آموزان می‌نشیند، به آنها گوش می‌دهد، سؤال می‌پرسد و پیشنهاداتی ارائه می‌دهد. در پایان هر کار ارزیابی کوتاهی انجام می‌شود. در صورتی که کار برخی از زبان‌آموزان سریع‌تر از دیگران به پایان برسد، کار دیگری را بر عهده می‌گیرند.

یکی از علل به کارگیری خلاقیت و ابتکار در کلاس‌هایی مثل «درک و مفهوم متن» جلوگیری از انسداد یادگیری است که در این جهت تمرین آفرینشگر در آموزش می‌تواند این انسداد را به حداقل برساند. مزیت تمرین آفرینشگر این است که

زبان‌آموز به مسائل پیرامونی خود آشنا و بر اساس توانش زبانی که در او ایجاد شده است ضمن جلوگیری از انسداد در یادگیری، به خلاقیت و ابتکار در یادگیری می‌رسد (۱۳۹۹) Behjat بهجت، ص ۶۰.

آموزش به عنوان بخشی از یک حلقه یادگیری به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا هم زبان و هم مهارت‌های یادگیری خود را ارتقا دهند. آنها یاد می‌گیرند که برای یادگیری خود اولویت‌هایی را بر اساس خود ارزیابی تعیین کنند، آموخته‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و برای یادگیری بیشتر خود تصمیم بگیرند.

نکته اساسی که باید در خصوص خلاقیت و ابتکار در آموزش مورد توجه ویژه قرار گیرد، توانایی خودارزیابی زبان‌آموز است، زیرا خودارزیابی زبان‌آموزان را به یادگیری فعال و آگاهانه وا می‌دارد و آنها را قادر می‌سازد تا در مورد نتایج یادگیری، سبک‌ها و فرآیند یادگیری خود تأمل کنند و روش‌های صحیح خودارزیابی را با کارآمد اجرایی‌سازی، کاربردسازی و نهادینه‌سازی بتوانند در طول یادگیری انجام دهند (۱۳۹۹ Eghtesad اقتصاد، ص ۲۸۶).

۳،۳ روش تحقیق

ضرورت این تحقیق استفاده از نوع و روش مناسب جهت سنجش فاکتورهای تعیین کننده خودمختاری و خلاقیت با توجه ویژه به بازی‌های کمک آموزشی است. معمولاً در یک تحقیق علمی یا از روش کیفی (معمولاً در تحقیقات علوم

انسانی و رفتاری)، یا از روش کمی (معمولاً در تحقیقات علوم تجربی) و یا از ترکیب هر دوی آنها استفاده می‌شود. به منظور به دست آوردن آمار در زمینه ابعاد اجتماعی و روان-شناختی به صورت کیفی می‌توان از طریق استخراج تئوری-های ذهنی جامعه آماری به عمق ساختار ذهنی و گرایشات آنها پی برد.

نظریه گروتیان (Grotjahn) می‌تواند بدین طریق به این تحقیق کمک کند که بر آن اساس نظریه‌های ذهنی ساختارهای کمابیش ثابت فکری هستند که می‌توانند به صورت ساختارهایی نامحسوس در ضمیر ناخودآگاه و یا در ضمیر خودآگاه تشکل پیدا کنند. مضمون آنها می‌تواند شامل اطلاعات فردی باشد در مورد عواطف و افکار و دیدگاه‌های شخصی و یا بعد برون فردی را شامل شود (۲۰۱۳) Grotjahn گروتیان، ص ۳۷.

این تحقیق به شکل کیفی و کمی در دو کلاس دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ با زبان‌آموزان انجام شد. هدف از تحقیق به دست آوردن نتایجی درباره میزان استقلال و خلاقیت در خصوص یک موضوع درسی بود. در این تحقیق دو گروه دانشجویی در مقطع کارشناسی در دو کلاس «زبان گفتاری» با محوریت درک و مفهوم متون و «شناخت کشورهای آلمانی زبان» با محوریت ادبیات به عنوان جزئی از فرهنگ این کشورها شرکت داده شدند.

هدف از تحقیق فراهم کردن شرایطی است که تحت آن دانشجو امکان سازندگی ذهنی مستقل را به دست می‌آورد. بازی‌های نمایشی برای تحقق این منظور می‌تواند اهرمی مؤثر باشند، زیرا چنانچه گفته شد فضایی مجازی و دور از ترس از شکست حقیقی را فراهم می‌کنند که در قالب آن سخنوری و خلاقیت‌های ذهنی با موانع کمتری مواجه می‌شوند.

جهت سنجش دقیق‌تر یک تحقیق عملی مناسب در این زمینه می‌بایست استقلال یادگیری را نه تنها در حیطه عملکرد زبانی بلکه از نظر فرآیندهای هویت‌سازی یادگیری فردی یعنی از جنبه روان‌شناختی آن مورد بررسی قرار دهد تا نتیجه‌ای فراگیر به دست آید. سنجش عملکرد از طریق بحث و بررسی فیلمبرداری اجراها صورت می‌پذیرد و فرآیندهای ذهنی دانشجو را از طریق مصاحبه و به صورت پیچیده‌تر از طریق نظریه‌های ذهنی او می‌توان استخراج کرد.

۳,۴ ارزیابی داده‌ها

تحقیق در قالب دو کلاس درسی در دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه تهران با محوریت «درک مفهوم متن» در نیمسال اول و «شناخت کشورهای آلمانی زبان» در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به عمق و بطن ذهنیت و ساختار فکری دانشجویان دسترسی پیدا می‌کند. «نمایشنامه» به عنوان فعالیتی سرگرم‌کننده و نشاط‌بخش و بر پایه شناخت از توانمندی زبانی با توجه به خلاقیت و

خودمختاری دانشجویان و به عبارتی به عنوان «بازی آموزشی» انتخاب شد. از جمله خلاقیت‌ها در نمایشنامه در نظر گرفتن نمود لهجه در گفتار، استفاده از اصوات و آواها در ادای منظور، احساسات شخصیت‌های نمایشنامه‌ها و نوع ادای کلمات در حالات مختلف مانند عصبانیت، شادی، گریه، غیره این انتخاب دلیل دیگری نیز داشت و آن توجه به سرفصل درس «زبان گفتاری» که درک و مفهوم متون جزئی از این درس است که تأکید بر درک زبانی متون با هدف تحقق مهارت خواندن و گفتار، و همچنین درس «شناخت کشورهای آلمانی زبان» که در سرفصل آن به بررسی و شناخت فرهنگ و ادبیات به عنوان جزئی از فرهنگ این کشورها تأکید دارد. برای انتخاب نمایشنامه‌ها روانی متون و همچنین سطح زبانی دانشجویان مورد توجه قرار گرفت.

در کلاس «زبان گفتاری» با محوریت درک مفهوم متون در نیمسال اول مقطع کارشناسی با ۱۵ دانشجو با سطوح زبانی ابتدایی و متوسط (A2.1 - B1.2) لیستی از انواع متون ادبی/نمایشی به دانشجویان ارائه می‌شود تا بنا به برنامه و سلیقه‌ای که در نظر دارند اولویت‌های خود را انتخاب کنند که نمایشنامه «فیزیکدان‌ها» اثر دورنمات انتخاب شد. به دانشجویان اجازه داده می‌شود که منفرد و یا در قالب گروه متن را بخوانند و با یکدیگر در صورت تمایل تبادل نظر کنند. سپس نمایش و یا داستان پس از تمرین به صورت مقطعی در کلاس اجرا می‌شود. استقلال در عمل حتی در نوع اجرای نمایش مهم است.

در کلاس «شناخت کشورهای آلمانی زبان» در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ مقطع کارشناسی با ۳۰ دانشجویان با سطوح زبانی متوسط (B1.1 – B2.2) چهار افسانه «سه برگ جادویی»، «مار سفید»، «نوازندگان شهر برمن» و «پسری که پدرش مرگ بود» انتخاب شد که دانشجویان بایستی افسانه‌ها را به صورت چهار نمایشنامه تنظیم و ارائه می‌دادند. با توجه به انتخاب دانشجویان و در قالب موضوعات درس «زبان گفتاری» با هدف درک مفاهیم متن، نمایشنامه «فیزیکدان‌ها» اثر دورنمات ارائه شد. در خصوص نمایشنامه فیزیکدان‌ها نوع کار با متن و گروه‌بندی‌ها به دانشجویان واگذار شد. به طوری که تقریباً تمام کلاس گرایش به خواندن و بررسی متن در قالب گروه‌های دو، سه و یا چهار نفره داشتند. از دانشجویان خواسته شد تا قسمتی از متن را مطالعه کرده و با مشورت یکدیگر و یا به تنهایی با ایجاد ابتکار متن را تغییر داده سپس نمایش را اجرا کنند. نمایشنامه فیزیکدان‌ها نمایشی است کمدی و با وجود تغییر در واژگان و رفتار نقش‌ها نمایش، هر گروه توانست بار طنز نمایش مبدأ را منتقل کنند. دانشجویان چندان واژه‌های از اجرا نداشتند و تغییراتی در داستان صورت پذیرفته بود.

در جلسه اول تغییرات در متن، چه در واژگان چه در اجرای نقش‌ها، اجباری بود. در این جلسه نکته اساسی این بود که این تغییرات به نوع نامتناسب و بدون در نظر گرفتن المانهای شاخص در متن مبدأ صورت گرفته به طوری که تماشاگری

که آگاهی از طرح نداشت قادر به تشخیص ارتباط آن با نمایشنامه اصلی نبود.

در جلسه‌ای دیگر تغییر متن اجباری نبود و مشاهدات با جلسات قبل تفاوت بسزایی داشت. قابل توجه این بود که روخوانی متن توسط دانشجویان کلاس بود که همه آنها روخوانی را با حرکات صورت و بدن در حین خواندن جانی تازه بخشیده بودند. طنز داستان در لحن به طور کامل انعکاس می‌یافت و تمرکز همه آنها کامل روی مضمون متن معطوف بود و نه روی واژگان.

با توجه به تفاوت کیفیت متن روخوانی شده همراه با میمیک قوی و صورت خلاقانه و تغییر یافته نمایشنامه، می‌توان از مشاهدات چنان نتیجه‌گیری کرد که عدم غنای واژگانی دانشجویان می‌تواند مسبب ضعف در خلاقیت به معنای پایین بودن کیفیت مضمون تغییر یافته باشد که نتیجه آن وابستگی به متن مبدأ و حس امنیت در هنگام روخوانی است. بالعکس اجرای نمایشنامه تغییر یافته علی‌رغم اینکه استقلال بیشتری در عملکرد می‌طلبد به لحاظ کیفی چندان ارزشمند نمی‌باشد.

اندريتسی (Endrizzi) علت این عدم موفقیت را در این نکته می‌بیند که دامنه خودمختاری و خلاقیت در شرایط مختلف یکسان نیست. در جلسه اول با وجودی که دانشجویان اجازه تغییرات واژگانی و در اجرای نقش‌ها داشتند، اما چون متن مبدأ خود نمایشنامه بود، آنها دامنه خودمختاری و خلاقیت کمتری داشتند (Endrizzi ۲۰۱۴)

گرچه نتایج به دست آمده در جلسه اول چندان رضایت بخش نبود، اما بر اساس تعریف کالیس از بازی آموزشی به اظهار دانشجویان اجرای نمایشنامه سرگرم کننده و نشاط بخش بود و به آنها شناختی از توانمندی در به دست آوردن و پردازش اطلاعات داد.

در نیمسال دوم تحصیلی در کلاس «کشورهای آلمانی زبان» که شش موضوع این درس به «ادبیات کشورهای آلمانی زبان» اختصاص داشت، چند افسانه از برادران گریم انتخاب شد که دانشجویان می‌بایست این افسانه‌ها را بعد از خواندن به شکل نمایشنامه تنظیم و اجرا می‌کردند.

بدین منظور از بین داستان‌های برادران گریم چهار افسانه انتخاب شد: «سه برگ جادویی»، «مار سفید»، «نوازندگان شهر برمن» و «پسری که پدرش مرگ بود».

تعداد دانشجویان این درس سی نفر در سطوح زبانی متوسط (B1.1 – B2.2) بودند. دانشجویان طبق تعداد نقش‌ها در هر کدام از افسانه‌ها، تقسیم و بر اساس نظریه آرنولد (۲۰۱۶) چند جزیره تشکیل شد.

دانشجویان در خصوص نقشی که به عهده گرفته بودند تحقیق فردی انجام می‌دادند و مطالب خود را به کلاس می‌آوردند و قبل و بعد از اجرای نمایشنامه بحث می‌شد. بر اساس اظهارات دانشجویان آنها یاد می‌گرفتند که شایستگی‌های خود را از طریق خود ارزیابی یا ارزیابی دیگر زبان‌آموزان ارزیابی کنند. از آنها خواسته شد فرایندهای یادگیری خود را از طریق یادداشت‌های روزانه مورد تأمل قرار دهند.

با توجه به نظریه فینک باینر در جهت کمک به دانشجویان و در جهت به حداقل رساندن اشتباهات دانشجویان، بسته‌های کمکی در جهت فهم بهتر متون به دانشجویان ارائه شد (۲۰۰۱) [Finkbeiner](#) فینک باینر، ص ۹۷).

این تحقیق در خصوص نظریه سازه منفرد آلمن به این نتیجه رسید که استقلال فردی در یادگیری تا جایی امکان پذیر است که به استقلال فردی دیگر زبان‌آموزان آسیبی نرسد. به عبارت دیگر سازه منفرد در یادگیری همانند جزئی از کل است و تا زمانی قابل درک است با اجزاء دیگر سازه متناسب باشد.

در این تحقیق از دانشجویان خواسته شد قسمت مربوط به نقش خود را در خصوص نوع تغییر واژگان نسبت به واژگان متن اصلی و همچنین نوع رفتار نقش خود مورد تحقیق قرار دهند. هدف در نظر گرفتن نظریه‌های هولک و لیتل یعنی هر دو مرحله «استقلال در یادگیری» و «سکان‌داری در یادگیری» بود و که بتوان بدین طریق مدیریت یادگیری زبان‌آموز را متمایز کرد. در خصوص «استقلال در یادگیری» دانشجویان - بایست واژگان و رفتار نقش را بدون کمک از دیگران و مستقل انجام دهند و در خصوص «سکان‌داری در یادگیری» نقش مدیریت نقش خود در زمان ارائه را در نظر بگیرند.

بر اساس نظریه پفایفر (Pfeifer) که به فواید اعمال بازی در فضای آموزشی اشاره می‌کند و بزرگسالان ترس بیشتری از ارتباط و مکالمه به فرهنگ و زبان دیگر از خود نشان می‌دهند، مشاهده شد که دانشجویان در ابتدا این اضطراب را واقعاً دارند، اما نمایشنامه به عنوان یک بازی آموزشی سدهای

عاطفی و روحی را شکست. این تحقیق نشان داد که در هنگام اجرای نمایشنامه‌ها به دلیل مکالمه تصنعی ایجاد شده و عدم ترس از تلفظ اشتباه واژگان بسیار راه گشاست (Pfeifer ۱۹۹۱ فایفر، ص ۳۹).

بعد از انجام تحقیق دانشجویان اظهار داشتند روشی که این تحقیق ارائه کرد، نقش بسزایی در خصوص شناخت یادگیری فردی و همچنین مرزهای خودمختاری و خلاقیت در یادگیری را مشخص کرد. به نظر می‌رسد نظریه رامپیلون در خصوص هویت‌بخشی به خودمختاری و خلاقیت در آموزش و توانمندی دانشجویان در به عهده گرفتن مسئولیت در یادگیری فردی بسیار تعیین کننده بود.

۴. نتیجه‌گیری

مقاله مذکور نشان می‌دهد که یادگیری زبان در قالب بازی‌های نمایشی سطح خلاقیت و خودمختاری در یادگیری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و این گونه نمایش‌های خلاقانه می‌توانند نقش مؤثری در راستای یادگیری هر چه مستقل‌تر زبان ایفا کنند. ایجاد تغییرات و ابتکارات خلاقانه در راستای تغییر و تنظیم متنهای ادبی-نمایشی می‌تواند شالوده‌ای باشد برای ایجاد ورزیدگی در به کار گیری مستقل تکنیک‌های یادگیری زبان بدین منظور که از طریق عملکردهای فردگرایانه که بر مبنای نظریه سازنده‌گرایی بنیان شده‌اند می‌توان امر خواندن به زبان آلمانی را تبدیل به امری منحصر به فرد کرد تا ساختارهای ژنتیکی و روانی تک تک زبان‌آموزان در بطن

مناسبی فرصت ایجاد انگیزه و کارایی مستقل‌تر را برای آنها فراهم کند. جمله خیلی طولانی است.

بحث آسیب‌شناسی در دو زمینه مطرح می‌شود. واژه استقلال، واژه‌ای است که تعریف آن به دلایل ارتباط با حیطه‌های متفاوت من جمله آموزش، روان‌شناسی و عصب‌شناسی بار معنایی آن گسترده و بسیار متفاوت می‌باشد.

در این مقاله بر اساس خلاقیت‌ها، عملکردها و پروسه‌های ذهنی زبان‌آموز استوار بود که با پردازش اطلاعات جدید به نکاتی دست می‌یابد که ساخته و پرداخته ذهن خود اوست. بنا بر این برای تعیین اینکه زبان‌آموز تا چه اندازه مستقل عمل کرده بهترین روش استفاده از تئوری‌های ذهنی او می‌باشد تا به درون روان و تفکر او بتوان دست یافت.

از طرف دیگر خاصیت نمایشنامه به عنوان بازی آموزشی سنجش عملکرد برونی است که این امر اغلب از سوی تماشاگر صورت می‌پذیرد. جهت کامل شدن جامعه آماری و گسترش ابعاد سنجش این تحقیق از روش تحقیقی ترکیبی استفاده شد تا نتایج به دست آمده از نظریه‌های ذهنی دانشجوی و تحلیل رفتاری او با هم ارائه گردد.

در این تحقیق نشان داده شد که فعالیت‌های مستقل ذهنی و اجرایی و به کارگیری خودمختاری و خلاقیت الزاماً باعث ایجاد اضطراب در زبان‌آموزان نمی‌شود، اما آنهایی که تجربه کمتری در زمینه فعالیت‌های مستقل داشته‌اند با مشکلاتی در طول پروژه مواجه شوند. بنابراین ایجاد یک فضای آزاد

آموزشی همراه با تحت نظر گرفتن عملکردها و سنجش و بررسی آنها در یک بازه زمانی می‌تواند نتایج مثبتی راجع به میزان تأثیر فضاهای آموزشی که در آنها امکان یادگیری مستقل به دانشجوی زبان داده می‌شود بر میزان خلاقیت و عملکرد مستقل ایجاد کند.

بر اساس نظریه تاسیناری (۲۰۱۰) با دانشجویان در خصوص اهداف مشترک با دیگر دانشجویان، غنی سازی درس ها، مسیرهای یادگیری و وظایف فردی بحث شد. گرچه برای بسیاری از زبان‌آموزان این شیوه شرکت در کلاس هنوز ناآشنا بود اما برای شروع شیوه و جهت‌گیری موفقیت‌آمیزی بود.

این نکته اهمیت صحبت و مباحثه صریح معلمان با دانش‌آموزان در مورد موضوع خودمختاری یادگیرنده نشان می‌دهد و به تدریج مسئولیت بیشتری را برای فرایند یادگیری به آنها می‌سپارد.

نتایج به دست آمده نه چندان رضایت‌بخش در اجرای نمایش «فیزیکدان‌ها» به مضمون اغلب هجو و یا طنز بومی شده که چندان به لحاظ واژگانی غنی نبود، بر می‌گشت. در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که تا چه اندازه استفاده از متون

نمایشی و اجرای آن به صورت خلاقانه نیاز به غنای واژگانی و روانی سخنوری به زبان بیگانه دارد. و اینکه آیا علت عدم غنای واژگانی در نمایشنامه تغییر یافته شده توسط دانشجویان و مضمون نه چندان پرمعنای آن به عدم تسلط دانشجو بر زبان بیگانه برمی‌گردد و یا باورهای غلط دانشجویان در مورد

بازی‌های نمایشی در قالب کلاس‌اند که منجر به ضعف مضمون و ضعف در اجرا می‌شوند.

همچنین این تحقیق به اقرار دانشجویان هر دو درس نشان داد که اجرای این نمایشنامه‌ها آنها در دیگر کلاس‌ها با اشتیاق و اعتماد به نفس بیشتری خود را به زبان بیگانه ابراز می‌کنند، فضای مناسبی برای تجربیات جدید اجتماعی و عاطفی فراهم آورد و همچنین توانایی ادای درست واژه‌ها و شناخت توانمندی‌ها را تقویت می‌کند که سهم بسزایی در هویت‌بخشی فردی در یادگیری دارد.

۵. منابع

اقتصاد، سوده (۱۳۹۹): بازنمودهای اجتماعی بکارگیری خودارزیابی برای رشد تعلیم و تربیت دانشجویان رشته آموزش زبان فرانسه دانشگاه تهران. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۱۰ (۲)، ۲۹۹-۲۸۴

بیرجندی، پرویز، مفتون، پرویز، باقری، محمدباقر (۱۳۹۶): جایگاه تفکر نقادانه در نظام آموزشی ایران. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۷ (۲)، ۳۲۳-۲۹۹
بهجت، حمیده، یداله‌وند، کیانوش (۱۳۹۹): بررسی توانش نگارش دانشجویان رشته مترجمی زبان آلمانی بر بستر ساخت‌گرایی میانه. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۱۰ (۱)، ۸۱-۵۶

حبیب زاده، حامد، پاینده داری نژاد، زهره (۱۴۰۰) بررسی رابطه میان هویت فرهنگی و نگرش دانش‌آموزان مقطع دبیرستان استان تهران نسبت به یادگیری زبان انگلیسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی ۱۱ (۲)، ۲۵۵-۲۷۲

دوستی زاده، محمدرضا، بدیعی، سیدهادی (۱۳۹۶): آموزش ترجمه، تحولات. پتانسیل‌ها و محدودیت‌های کار گروهی در ترجمه. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی ۷ (۲)، ۴۲۴-۴۰۵

کلی تام، کلی دیوید: مترجمین مرتضی خضری‌پور، مهدی کیامهر (۱۳۹۴): خودباوری در خلاقیت. انتشارات آریانا قلم.

- Little, David (2000): *Learner Autonomy. Definitions, Issues and Problems*. Dublin: Authentik.
- Martinez, Helene (2008): *Lernerautonomie und Sprachlernverständnis. Eine qualitative Untersuchung bei zukünftigen Lehrerinnen und Lehrern romanischer Sprachen*. Tübingen: Gunter Narr.
- Oxford, Rebecca L. (2003): *Toward a more systematic model of L2 learner Autonomy*. IN. Palfreyman, David & Richard C. Smith (Hrsg.). *Lerner Autonomy across Cultures: Language Educations Perspectives*: Basing stokes: Palgrave Macmillan, 75-91.
- Pfeifer, Walter (1991): *Das Erwachsenenpiel. Eine pädagogische Standortbestimmung*. Erziehungswissenschaft, Bd. 29. Münster, Hamburg: Lit.
- Pyerin, Brigitte (2007): *Kreatives wissenschaftliches Schreiben*. Juventa Verlag, München.
- Rampillon, Ute. (2003): *Autonomes Fremdsprachenlernen. Ein Ziel für den Fremdsprachenunterricht der Sekundarstufe I*. *Fremdsprachenlernen und Hochschule*, 23, 65-71.
- Rössler, Wulf, Hoff, Paul (Hrsg.) (2004): *Psychiatrie zwischen Autonomie und Zwang*. Berlin: Springer Verlag.
- Steinhilber, Jürgen (1979): *Zur Didaktik des Unterrichtsspiels im Fremdsprachenunterricht. Inaugural-Dissertation. Zur Erlangung eines Grades des Doktors in Philosophie des Fachbereichs 12-Erziehungswissenschaften der freien Universität Berlin*.
- Tassinari, Maria G. (2010): *Autonomes Fremdsprachenlernen: Komponenten, Kompetenzen, Strategien*. Frankfurt am Main: Peter Lang Verlag.
- Achouri, Cyrus (2013): *Kultur und Autonomie: Ein Beitrag zur orientalisches-abendländischen Kulturverständigung*. Wiesbaden: Springer.
- Altma, Howard, B. (1972): *Individualised foreign language instruction ex uno plura*. In: Altman, Howard, B. (Hrsg.): *Individualising Foreign Language Instruction: Perspectives for Teachers*. Rowley, Mass: Newbury House.
- Arnold, Jane/Fonseca-Mora, Carmen (2016): *Affektive Faktoren und Autonomie beim Fremdsprachenlernen*. In: Martos, Javier/Tassinari, Maria G. (Hg.): *Intercultural German Studies (= Jahrbuch Deutsch als Fremdsprache; 40)*. München: Iudicium, S. 163-176.
- Calliess, Elke (2010): *Spielendes Lernen*. In: *Deutscher Bildungsrat. Gutachten und Studien der Bildungskommission*. Band 48/1. Die Eingangsstufe des Primarbereichs. Band ½. Spielen und Gestalten. Stuttgart: Ernst Klett.
- Dousti Zadeh, Mohammadreza (2017): *The importance and necessity of processing "intercultural communication ability" in German language teaching textbooks of the Ministry of Education*. *Journal of Linguistic Research in Foreign Languages*. Tehran.
- Endrizzi, Laura (2014): *Lernautonomie. Selbststeuertes fremdsprachliches Lernen*. München: Grin Verlag.
- Finkbeiner, Claudia/ Schnaitmann, Gerhard W. (Hrsg.) (2001): *Lehren und Lernen im Kontextempirischer Forschung und Fachdidaktik*. Reihe Innovation und Konzeption. Petersen, Jörg/ Reinert, Peter-Jörg (Hrsg.). Donauwörth: Auer.
- Finkbeiner, Claudia (2001): *Zur Erforschung attitudinaler und affektiver Faktoren beim Lehren und Lernen fremder Sprachen*. In: Finkberger/ Scnaitmann (Hrsg.). S: 352-375.
- Grotjahn, Rüdiger (2013): *Subjektive Theorien in der Fremdsprachenforschung. Methodologische Grundlagen und Perspektiven*. In. *Fremdsprachen Lehren und Lernen*. 27. Jahrgang. S: 33-59.
- Holec, Henry (1980): *Autonomy and foreign language learning*. Strasbourg: Council for cultural Co-operation of the Council of Europe.
- Holec, Henry (1987): *The learner as Manager. Managing Learning or Managing to Learn*. In: Wenden. Anita & Rubin, Joan (Hrsg.): *Learner strategies in Language Learning*. London: Prentice Hall: 145-156.